

مصایب تردد و زندگی در بافت تاریخی یزد

تنگنای کوچه‌های آشتی کنان

دستیابی اورژانس به محل حادثه ۱۰ دقیقه زمان می برد



عکس ها: ستار و کاظمی / شهر وند

فروغ فکری | وقتی به خانه مادر بزرگش رسیدند که دیگر دیر شده بود. مادر بزرگ فوت شد. رحمان افراد دیگری را هم در بافت تاریخی یزد می شناسد که به همین وضع دچار شدند. «سن و سال آدم‌های این منطقه بالاست. جوون‌ها این‌جا نمی‌مونن. برای همین هم تعداد افراد مستنی که تو این منطقه ساکنند، خیلی زیاده». بسیاری از سالخورده‌گان ممکن است به اورژانس نیاز پیدا کنند اما اورژانس دیرتر از زمان معمول به آنها می‌رسد. نه آن‌که در ترافیک شهر گیر افتاده باشد، در این منطقه از شهر یزد، آمبولانس اورژانس اسیر دیوارهای کاهلگی و کوچه‌های تنگ است.

«ماشین‌هاشون اغلب تامپون زندون اسکندر میان. بعضی جاها هم هست که می‌شه خودرو جلوتر بیاد اما باقیش رو پیاده میان یا برانکارد میارن یا خودشون». حدود ۶۰ سال سن دارد. چادر گلدار صورتش قاب گرفته. «همین چند وقت قبل برای همسایمون اومدن. خونه ما جای خوبیه. خونه‌هایی تو بافت هست که رسیدن بهشون خیلی سخته».

اما آنچه برای مأموران اورژانس این منطقه حیاتی است، شناخت دقیق کوچه پس کوچه‌های بافت است. برای محمود چاکری که سال‌ها در اورژانس این منطقه فعال بوده، هم این موضوع اهمیت زیادی داشته است. «تمام قسمت‌های بافت رو می‌شناختم. منطقه‌ای که ما بودیم، شامل خیابان مهدی، یخ کوبی، امام خمینی و خیابان‌های اطراف می‌شد. در حدی محل را خوب بلد بودیم که بدونیم کدوم مسیر نزدیک‌تره یا می‌تونیم بریم یا نه. خونه مورد نظر کجاست. با خودرو تا نزدیک محل حادثه می‌رفتیم و بعد با خودمون برانکارد می‌بردیم. اما تمام عوامل اینطور نیستن. ممکنه خیلی‌هاشون بلد نباشن.» به گفته چاکری، اورژانس خودروهای کوچکی ندارد که بتوان به وسیله آنها از کوچه‌های تنگ گذشت اما در سال ۹۰ طرحی توسط اورژانس اجرایی شد که در آن تکنیسین‌ها با استفاده از یک موتوری به محل حادثه اعزام می‌شدند. «این طرح به نسبت طرح خوبی بود. در آن زمان تکنیسین‌ها آموزش لازم رو دیدن و به وسیله موتور به کوچه‌هایی رفتند که امکان رفت‌وآمد خودرو در آنها ممکن نبود و همین باعث شد تا مقداری از تلفات کم بشه. به موقع رسیدن بر سر بالین مریض، نخستین و مهم‌ترین اصل اورژانسه». دستیابی اورژانس از خیابان اصلی بافت بسه محل حادثه فرضی در وضع فعلی حدود ۱۰ دقیقه زمان می‌برد که از مدت زمان استاندارد جهانی (۱۰ دقیقه) و حتی استاندارد رایج در ایران (۸ دقیقه) بیشتر است. به این ترتیب براساس تحقیقی که توسط مرکز تحقیقاتی «عنوان ارزیابی وضع موجود و طرح پیشنهادی بافت تاریخی یزد از نظر دسترسی به خدمات اورژانس با استفاده از تحلیل شبکه» انجام گرفته، قسمت اعظم بافت تاریخی (بیش از ۷۰ درصد)، از نظر دسترسی به مراکز خدمات اورژانس با استاندارد جهانی فاصله زیادی دارد و همچنین بسیاری از مناطق (حدود ۵۰ درصد)، در مدت زمان بسیار بیشتری نسبت به متوسط مرسم در ایران به این خدمات دسترسی پیدا می‌کنند که این مورد در خصوص بروز حوادثی چون زلزله هم نگرانی‌های بسیاری را ایجاد کرده است. چاکری می‌گوید: «ایده پیک‌های موتوری اورژانس، ایده مناسبی بود اما در نهایت مشکلی که بود و هست، این است که این پیک‌ها نمی‌تونند برخی از خدمات را ارائه کنند. به امکانات بیشتری نیاز است که این امکانات در خودروهای اورژانس وجود دارد».

«تا حالا مشکل اورژانسی نداشتم اما چون کوچه تنگه به وقتایی پیش میاد که مترسیم. هر چند این‌جا مأمور زیاد داره و امنه اما باز هم ترس میفته به جون آدم». جوان است. دست‌دختر چهار ساله‌اش را گرفته «چچه‌ها هم تو خونه بسازی می‌کنن. این طوری هم امنیتش بیشتره و هم جلوی دست و پای آدم‌های دیگه نیستن که میخوان از کوچه رد بشن». در حال حاضر ۴۰/۸ درصد از قطعات بافت تاریخی به معیار کمتر از چهار متر دسترسی دارند که این مورد نشان‌دهنده عدم دسترسی این قطعات به خدمات اورژانس در زمان حادثه است. بر همین اساس پیشنهاد عرض کردن معابر در دستور کار قرار گرفته است. طرحی که چندسالی است مورد بررسی

است و همین هم باعث شده در سال‌های اخیر براساس تلاش مرکز حفاظت جامع بافت تاریخی یزد، حدود ۲۰ درصد از معابر تا حدودی عرض شوند، با این وجود هنوز هم قسمت بزرگی از بافت تاریخی کوچه‌های کم‌عرض دارد. محمدحسین بحرالعلومی، کارشناس میراث فرهنگی اما معتقد است «مرمت‌گرانی که در بافت تاریخی کار می‌کنند، سعی دارند تا بهترین کار را انجام دهند؛ چرا که این افراد از جمله متخصصان بسیار قوی این عرصه هستند و به همین دلیل هم سعی کرده‌اند تا الگوهای مناسبی را برای حل مشکل این منطقه پیدا کنند اما هنوز هم بخش عمده‌ای از خانه‌های این بافت در کوچه‌هایی قرار گرفته که تلاشی برای عرض‌شدنشان نشده».

براساس طرح پیشنهادی تهیه‌شده توسط مهندسان مشاور برای ساماندهی و عرض کردن بعضی از خیابان‌های بافت تاریخی، زمان دسترسی به کوچه‌های تنگ و مسایلی بافت به ۶ دقیقه می‌رسد که این مدت زمان دسترسی برای وقت‌هایی که آتش‌سوزی هم رخ دهد، بسیار مهم خواهد بود.

آتش در کوچه‌های آشتی کنان

آتش که زبانه گرفت سر کار بود، تو ناوایی لواشی بازارچه. «صن نفهمیدیم چطور شد. تا اون موقع اصن یاد نمی‌داد این‌جا خونهای آتش گرفته باشه. خونه‌مون داخل بافت تاریخیه. کوچمون هم تنگه» عسال قبل خانه احمد آتش گرفت. آتش نشانی آمد اما گذر از کوچه‌های تنگ بافت تاریخی برای خودروهای بزرگشان دشوار بود. برای همین هم شلنگ آب را به سختی از کوچه‌ها رد کردند. «ز حوض همسایه هم آب گرفتیم و میپازدکن تو خونه ما».

بسیاری از اهالی بافت تاریخی، هرگز شاهد آتش گرفتن خانه خود یا اطرافیان‌شان نبوده‌اند. حتی محسن ذاکری‌نیا، معاون میراث فرهنگی شهر یزد که مارا در دفترش پذیرفته، هم بر این مورد تأکید دارد: «سال‌های زیادی است که شاهد حادثه خاصی نبوده‌ایم. اگر هم بوده، خیلی جزئی بوده و برطرف شده و برای همین هم نمی‌شود خیلی آن را بزرگ

کرد». اما آتش‌سوزی در خانه‌هایی قدیمی که حتی بسیاری از آنها خالی از سکنه هستند، می‌تواند تبعات بسیاری داشته باشد. آن هم خانه‌هایی که به گفته بحرالعلومی، منحصر به فرد هستند. «هر چی کجای دنیا نمی‌تون چنین بافتی را پیدا کرد. این بافت از هر نظر منحصر به فرد است. اما اگر بخواهیم نمونه نزدیک به این نوع معماری را نام ببریم، می‌توان به محلی تاریخی و قدیمی در پراگ اشاره کرد که آن‌جا هم کوچه‌های بسیار تنگی دارد که به کوچه‌های طلایی مشهور است، اما در نهایت خانه‌های آن منطقه هم مانند بافت تاریخی یزد در هم تنیده و با معماری خشتی نیستند».

در صورت آتش گرفتن یک خانه به راحتی آتش به خانه‌های دیگر هم سرایت کند و در نتیجه منطقه گسترده‌ای را تحت تأثیر قرار دهد. برای همین هم آتش‌نشانی خودروهای نیسان کوچکی را به بافت تاریخی داده تا این خودروها بتوانند وارد برخی از کوچه‌ها شوند اما همچنان کوچه‌های آشتی کنان در معرض آسیب جدی هستند. کوچه‌هایی باریک که تنها یک نفر را در خود جا می‌دهند. حکیمی سرپرست کارگاه یکی از شرکت‌های خدماتی در بافت تاریخی می‌گوید: «کوچه‌های آشتی کنان از جمله کوچه‌هایی هستند که باید مورد رسیدگی جدی قرار گیرند. در بافت تاریخی بیش از ۳۰ کوچه وجود دارد که تنها یک نفر می‌تواند از آنها عبور کند. البته اغلب کوچه‌های دیگر بافت تاریخی هم وضع بهتری ندارند. یکی، دومتر بزرگتر از کوچه‌های آشتی کنان».

حکیمی همچنین از خیابان مسجد جامع می‌گوید که تعداد زیادی خیابان فرعی در آن وجود دارد و اغلب افراد هم تمایلی به بازسازی خانه‌هایشان ندارند «در آمدشان کم است. بیشترشان هم مستاجرند و

برایشان اهمیتی ندارد که چه بلایی سر خانه می‌آید». هر چند میراث فرهنگی تا حدود نیمی از هزینه بازسازی خانه‌ها را پرداخت می‌کند. اما همچنان بسیاری برای بازسازی به میراث نمی‌روند. ذاکری‌نیا می‌گوید: «خانه‌هایی که به ثبت آثار ملی اهمیت زیادی دارند اما برای سایر خانه‌های موجود در بافت هم بخشی از هزینه را تقبل می‌کنیم و همچنین کارشناس مرمت هم می‌فرستیم تا خانه را اصولی بازسازی کنند و تغییری نشود». خانه‌ها باید با کاهگل بازسازی شوند و تغییری هم در شکل ظاهری و داخلی خانه ایجاد نشود.

در مصالح مورد استفاده ایجاد بازسازی ششوند و تغییری هم در شکل ظاهری و داخلی خانه ایجاد نشود. خانه‌ها باید با کاهگل بازسازی شوند و تغییری هم در شکل ظاهری و داخلی خانه ایجاد نشود. خانه‌ها باید با کاهگل بازسازی شوند و تغییری هم در شکل ظاهری و داخلی خانه ایجاد نشود. خانه‌ها باید با کاهگل بازسازی شوند و تغییری هم در شکل ظاهری و داخلی خانه ایجاد نشود.

اصلی بافت قدیمی به حساب می‌آید و برای همین هم مشکل رفت‌وآمد در آن وجود ندارد. خودروانش را هم اغلب مقابل در خانه پارک می‌کند. خانه درست مقابل ساختمان یگان حفاظت میراث فرهنگی قرار گرفته است. ساختمانی که به گفته ضیف چند وقتی است خالی شده و اعضای آن به ساختمان اصلی میراث فرهنگی کوچ کرده‌اند. «بیروهای یگان حفاظت همیشه در بافت می‌چرخن. اجازه ساخت‌وساز هم نیست، من الان مدتی می‌خوام راه‌روی خونه رو موزاییک کنم اما اجازه نداریم. اگر مصالح رو ببینن بر خورد می‌کنن.» اوایل سال ۱۳۵۹ از عراق به ایران آمدند. همراه تعداد بسیاری از شیعیانی که صدام آنها را از عراق اخراج کرد. هنوز بعد این همه سال عادت نکردیم. ولی یزد رو خیلی دوست دارم. این‌جا فقط چند خانواده عرب سکونت دارن. بقیه تو شهرهای دیگه هستن. ما هم از اول اومدیم تو بافت تاریخی. «بنیاد جنگ‌زدگان خانه را در اختیارشان قرار داده. بزرگ است آن‌قدر که عمرت همسر بزدی ضیف از تمیز کردنش خسته می‌شود» «غلب خونه‌های بافت تاریخی بزرگ و چون نوسازی هم‌شدن تمیز کردنش خیلی سخته». ضیف در کنار مهاجران افغانستانی بخشی از ساکنان بافت تاریخی را تشکیل می‌دهند. کسانی که اغلب سالیان طولانی است، در این محله ساکن شده‌اند و به گفته ذاکری‌نیا، تنها در صدها در صدها ساکنان بافت تاریخی را شامل می‌شوند. «سرشماری مهاجرها با سازمان میراث فرهنگی نیست اما ما معمولاً در محلات ثبت جهانی که بحث مالکیت در آنها مهم است، تحقیقاتی را انجام داده‌ایم. بر این اساس در محلات شاه‌ابوالقاسم، چهار منار و مسجد، اصلاً مهاجری ساکن نیست و این مناطق حتی مهاجرانی از شهرهای دیگر ایران هم ندارند و اغلب مهاجران در محله‌های ساکنند که تعداد آنها هم زیر ۵۰۰ صدها است.» ذاکری‌نیا همچنین از صحبت‌هایی که درباره افزایش تعداد مهاجران در بافت تاریخی می‌شود و این که مهاجران بافت تاریخی را گرفته‌اند، گله دارد «مهاجران این بافت اغلب قدیمی‌اند و سالیان طولانی در این منطقه زندگی کرده‌اند. به همین دلیل نمی‌توان از یجران حضور آنها سخن گفت. از طرفی اغلب این مهاجران در بافت فرسوده ساکنند. در حاشیه نزدیک

اصلی بافت قدیمی به حساب می‌آید و برای همین هم مشکل رفت‌وآمد در آن وجود ندارد. خودروانش را هم اغلب مقابل در خانه پارک می‌کند. خانه درست مقابل ساختمان یگان حفاظت میراث فرهنگی قرار گرفته است. ساختمانی که به گفته ضیف چند وقتی است خالی شده و اعضای آن به ساختمان اصلی میراث فرهنگی کوچ کرده‌اند. «بیروهای یگان حفاظت همیشه در بافت می‌چرخن. اجازه ساخت‌وساز هم نیست، من الان مدتی می‌خوام راه‌روی خونه رو موزاییک کنم اما اجازه نداریم. اگر مصالح رو ببینن بر خورد می‌کنن.» اوایل سال ۱۳۵۹ از عراق به ایران آمدند. همراه تعداد بسیاری از شیعیانی که صدام آنها را از عراق اخراج کرد. هنوز بعد این همه سال عادت نکردیم. ولی یزد رو خیلی دوست دارم. این‌جا فقط چند خانواده عرب سکونت دارن. بقیه تو شهرهای دیگه هستن. ما هم از اول اومدیم تو بافت تاریخی. «بنیاد جنگ‌زدگان خانه را در اختیارشان قرار داده. بزرگ است آن‌قدر که عمرت همسر بزدی ضیف از تمیز کردنش خسته می‌شود» «غلب خونه‌های بافت تاریخی بزرگ و چون نوسازی هم‌شدن تمیز کردنش خیلی سخته». ضیف در کنار مهاجران افغانستانی بخشی از ساکنان بافت تاریخی را تشکیل می‌دهند. کسانی که اغلب سالیان طولانی است، در این محله ساکن شده‌اند و به گفته ذاکری‌نیا، تنها در صدها در صدها ساکنان بافت تاریخی را شامل می‌شوند. «سرشماری مهاجرها با سازمان میراث فرهنگی نیست اما ما معمولاً در محلات ثبت جهانی که بحث مالکیت در آنها مهم است، تحقیقاتی را انجام داده‌ایم. بر این اساس در محلات شاه‌ابوالقاسم، چهار منار و مسجد، اصلاً مهاجری ساکن نیست و این مناطق حتی مهاجرانی از شهرهای دیگر ایران هم ندارند و اغلب مهاجران در محله‌های ساکنند که تعداد آنها هم زیر ۵۰۰ صدها است.» ذاکری‌نیا همچنین از صحبت‌هایی که درباره افزایش تعداد مهاجران در بافت تاریخی می‌شود و این که مهاجران بافت تاریخی را گرفته‌اند، گله دارد «مهاجران این بافت اغلب قدیمی‌اند و سالیان طولانی در این منطقه زندگی کرده‌اند. به همین دلیل نمی‌توان از یجران حضور آنها سخن گفت. از طرفی اغلب این مهاجران در بافت فرسوده ساکنند. در حاشیه نزدیک

اصلی بافت قدیمی به حساب می‌آید و برای همین هم مشکل رفت‌وآمد در آن وجود ندارد. خودروانش را هم اغلب مقابل در خانه پارک می‌کند. خانه درست مقابل ساختمان یگان حفاظت میراث فرهنگی قرار گرفته است. ساختمانی که به گفته ضیف چند وقتی است خالی شده و اعضای آن به ساختمان اصلی میراث فرهنگی کوچ کرده‌اند. «بیروهای یگان حفاظت همیشه در بافت می‌چرخن. اجازه ساخت‌وساز هم نیست، من الان مدتی می‌خوام راه‌روی خونه رو موزاییک کنم اما اجازه نداریم. اگر مصالح رو ببینن بر خورد می‌کنن.» اوایل سال ۱۳۵۹ از عراق به ایران آمدند. همراه تعداد بسیاری از شیعیانی که صدام آنها را از عراق اخراج کرد. هنوز بعد این همه سال عادت نکردیم. ولی یزد رو خیلی دوست دارم. این‌جا فقط چند خانواده عرب سکونت دارن. بقیه تو شهرهای دیگه هستن. ما هم از اول اومدیم تو بافت تاریخی. «بنیاد جنگ‌زدگان خانه را در اختیارشان قرار داده. بزرگ است آن‌قدر که عمرت همسر بزدی ضیف از تمیز کردنش خسته می‌شود» «غلب خونه‌های بافت تاریخی بزرگ و چون نوسازی هم‌شدن تمیز کردنش خیلی سخته». ضیف در کنار مهاجران افغانستانی بخشی از ساکنان بافت تاریخی را تشکیل می‌دهند. کسانی که اغلب سالیان طولانی است، در این محله ساکن شده‌اند و به گفته ذاکری‌نیا، تنها در صدها در صدها ساکنان بافت تاریخی را شامل می‌شوند. «سرشماری مهاجرها با سازمان میراث فرهنگی نیست اما ما معمولاً در محلات ثبت جهانی که بحث مالکیت در آنها مهم است، تحقیقاتی را انجام داده‌ایم. بر این اساس در محلات شاه‌ابوالقاسم، چهار منار و مسجد، اصلاً مهاجری ساکن نیست و این مناطق حتی مهاجرانی از شهرهای دیگر ایران هم ندارند و اغلب مهاجران در محله‌های ساکنند که تعداد آنها هم زیر ۵۰۰ صدها است.» ذاکری‌نیا همچنین از صحبت‌هایی که درباره افزایش تعداد مهاجران در بافت تاریخی می‌شود و این که مهاجران بافت تاریخی را گرفته‌اند، گله دارد «مهاجران این بافت اغلب قدیمی‌اند و سالیان طولانی در این منطقه زندگی کرده‌اند. به همین دلیل نمی‌توان از یجران حضور آنها سخن گفت. از طرفی اغلب این مهاجران در بافت فرسوده ساکنند. در حاشیه نزدیک

بافت تاریخی یزد، خانه‌هایی وجود دارد که جزو بافت فرسوده به حساب می‌آیند و بسیاری از مهاجران در آن مناطق ساکن هستند».

ذاکری‌نیا هم تا حدودی با نظر کارشناسان موافق است که این خانه‌ها باید در دست افرادی باشد که برای این آثار اهمیت کافی قائلند. این در حالی است که بسیاری از ساکنان اصیل و قدیمی بافت تاریخی به دلیل قدیمی شدن خانه‌هایشان این محل را ترک کرده‌اند. «خانه‌های ارزشمندی در بافت تاریخی وجود میراث فرهنگی دارای ارزش و اعتبار است و به همین دلیل ما مایلیم حتی آنها را خریداری کنیم اما بعضی مالکان از جهت قیمت به توافق نمی‌رسیم و بسیاری از این خانه‌ها به قیمت ارزان اجاره داده می‌شود».

ضیف ضیف در جایی قرار گرفته که محل گذر است و از سویی به میدان زندان اسکندر هم نزدیک «تو این سال‌ها خاطر نمی‌یاد که آتش‌سوزی پیش آمده باشه یا کسی از اطرافیان به اورژانس نیاز پیدا کرده باشه اما یاد میاد چندبار خودروی اورژانس رو تو میدون دیدم و با برانکارد کسی رو می‌بردن». رویه‌روی خانه ضیف، خانه‌ای است که با دو در و بادگیری بلند، خانه محل اقامت چند خانواده اهل افغانستان است. کریم که در راز باز کرده، این را می‌گوید و هم‌زمان صدای مادرش از داخل می‌آید که می‌گوید: «گو بیات نیست و من نمی‌تونم صحبت کنم». ۱۴ ساله است و متولد ایران. خانواده‌اش ۳۰ سالی می‌شوند که کوچ کرده‌اند و از ابتدا هم در یزد ساکن شده‌اند. «هیگن خونه‌ای که اجاره کردیم قدمتش زیاده. تو خونه یادگیر هم داریم. ما که خیلی سر در تمیازیم از این حرفا». خانه را با ۱۵ میلیون پول پیش‌و ماهی ۵۰ هزار تومان اجاره کرده‌اند. کریم اجازه وارد شدن به داخل را نمی‌دهد و زیر هشتی ایستاده. طاق هشتی بلند است با مقرنس‌هایی گچی، به سقف که نگاه می‌کنیم، می‌گوید: «صدای رفت‌وآمد همسایمونه اتاقر و اجاره دادیم». مقرنس‌ها با هر گام مستاجر هلی‌ا لرزند.

